

یادداشت

حفاظت از پول یا سازگاری با کاهش ارزش پول؟

ایسن طرح در واقع به‌جای تثبیت ارزش پول ملی، به مردم می‌آموزد چگونه خودشان را با روند فزاینده تورمی تطبیق دهند. بر خلاف تصور سیاست‌گذار، هدایت نقدینگی به این صندوق‌ها به‌جای اینکه ارزش داراییی مردم را تضمین کند، در بلندمدت افزایش قیمت ارز را تضمین می‌کند. چون ارزش اسمی یرتفوی صندوق باید متناسب با ادعای سود سرمایه‌گذاران منبسط شود. در واقع اگر افراد سهام صندوق ارزی را داشته باشند، طبیعی است که ارزش واحدهای صندوق باید با ارزش دارایی‌های داخل صندوق ارزی تغییر کند؛ این یعنی افزایش ارزش معادل ربالی دارایی صندوق مترادف کاهش ارزش پول ملی است. نکته پارادوکسیکال قضیه همین است که به‌جای اینکه این طرح تورم فزاینده و کاهش ارزش پول را حل کند، یک ابزار مالی با مشارکت مردم می‌سازد. به این امید که آنها بتوانند خودشان را از تورمی که خودشان به آن دامن زده‌اند - به واسطه سرمایه‌گذاری در صندوق - مصون کنند. سیاست‌گذار عملا به‌جای اینکه تضمین کند ارزش پول مردم حفظ شود، ابزاری ایجاد کرده است که بازدهی آن به افزایش قیمت ارز - کاهش ارزش پول ملی - گره خورده است. یعنی «حفاظت از ارزش پول» به نوعی به «حفاظت از ارزش دارایی در برابر کاهش ارزش پول» تبدیل خواهد شد. بنابراین صندوق ارزی بیش از آنکه ابزاری برای حل بحال مسئله باشد، نشانه پذیرفتن مسئله به عنوان یک واقعیت دائمی است.

وضعیت ارتش تاپیش از آغاز جنگ

ایسن در حالی بود که ارتش عراق در این دوره در حال تقویت توان رزم و افزایش قدرت ماشین جنگی خود بود. در این شرایط، گزارش‌هایی هم به تهران می‌رسید که عراق در حال تقویت توان نظامی و احتمال حمله ارتش این کشور به ایران است. در گفت‌وگوی نگارنده این یادداشت با دکتر ابراهیم یزدی، معاون نخست‌وزیر در دولت موقت در این روزها (پیش از انتقال او به وزارت امور خارجه به جانشینی دکتر کریم سنجابی) به‌صراحت تأکید کرد بخش خارجی سازمان امنیت کشور یا ساواک پس از انقلاب منحل نشده بود و این بخش در عراق چندصد جاسوس داشت که در هفته نخست پس از انقلاب دچار سردرگمی در تماس با راپطین ایرانی شده و سپس با بخشی از این بدنه جاسوسی ارتباط برقرار شده بود. بنا بر اظهارات دکتر یزدی، این نیروها اطلاعات بسیار دقیقی از نقل و انتقال نیروهای عراقی و تقویت توان نظامی ایسن ارتش برای ایران ارسال می‌کردند، اما آشننگی اوضاع کشور هم موجب شده بود در میان اینوه مسائل کشور تازه‌انقلاب‌کرده، نتوان برای این مسائل تدبیری دقیق و کارشناسی شده اندیشید. هم‌زمان با این وضعیت، تشنج رسانه‌ای هم بر مسائل میان ایران و عراق افزوده بود و دولت عراق نیز با نگرانی نسبت به سرایت گفتار انقلابی از ایران به عراق و به اصطلاح صدور انقلاب به عراق، بر شدت عمل خود افزوده و در همین دوره بود که آیت‌الله محمدباقر صدر، فقیه مشهور شیعه عراقی، به همراه خواهرش، بنت‌الهدی صدر، در عراق اعدام و این اقدام موجب تشدید تنش‌های سیاسی و رسانه‌ای میان ایران و عراق شد. در این اوضاع و احوال، برخی گزارش‌ها حاکی از احتمال حمله ارتش عراق به ایران بود. ریاست ستاد ارتش از نیروی زمینی درخواست ارائه طرحی درباره احتمال وقوع جنگ را به نیروی زمینی ارتش ابلاغ کرده بود و نیروی زمینی نیز در فروردین‌ماه ۱۳۵۹ برآوردی تهیه و با عنوان «برآورد وضعیت درباره احتمال وقوع جنگ بین ایران و عراق و راهکارهایی برای دفاع از تمامیت ارضی ایران در مقابله با حمله احتمالی عراق» به مسئولین ارائه کرده بود. البته رئیس‌جمهور، ابوالحسن بنی‌صدر، پس از ملاحظه این طرح گفت: «نظامی‌ها جریان را خیلی جدی می‌گیرند، حکومت عراق جرئت آن را ندارد به ایران حمله کند». علی‌رغم این موضع بنی‌صدر، در خرداد ۱۳۵۹ سرنسیپ فلاحی، فرمانده وقت نیروی زمینی ارتش، طرح دفاعی ایوذر را به یگان‌ها ابلاغ کرد تا آمادگی کشور برای حمله احتمالی عراق تقویت شود. هرچند همه این مقدمات و پیش‌بینی‌ها منجر به تجدیدنظر در سازماندهی ارتش برای تقویت توان رزم و آمادگی درباره حمله احتمالی عراق نشد و عملا ارتش از نظر تجهیزات، نیروی رزم، آموزش و نظم و انضباط سازمانی آماده تام و تمام برای دفاع از کشور نبود. ۳۱ شهریورماه ارتش عراق رسماً جنگ و حملات خود را علیه ایران آغاز کرد اما علی‌رغم تمام این کاستی‌ها و مشکلات، نیروهای مسلح از کشور دفاع و قهرمانانه در راه دفع تجاوز جنگیدند و ده‌ها هزار نفر در این دفاع ملی جان خود را قربانی ایران و ملت ایران کردند. اما موضوع جنگ هشت‌ساله همچنان نیازمند مطالعات بیشتری است. آیا وقوع جنگ با عراق اجتناب‌ناپذیر بود؟ آیا استمرار جنگ در دوره‌های هشت‌ساله هم ضروری بود؟ آیا پس از جنگ، به‌درستی از منافع ملت ایران برای دریافت غرامت از متجاوز دفاع شد؟ همه این موضوعات و موضوعات مشابه از جمله مباحثی است که نیازمند بررسی بیشتر است.

خارِیشت، روباه‌ور و یای توسعه‌ایران

شاه ایران با ارتشی عظیم و رؤیایی بزرگ از هلسپوت‌عبور می‌کند. در کنار وی ارتابانوس (عمو و مشاور وی) قرار دارد که به جای شکوه و عظمت ارتش ایران، فاصله، تدارکات، آب و غذا، جغرافیا، آب‌وهوا، مقاومت دشمن و ناشناخته‌های آینده را می‌بیند. مسئله شکست خشایار‌شاه در این نبرد، آن نبود که هدف را اشتباه انتخاب کرده بود؛ مسئله آن بود که نتوانست اندازه آرزوهایش را با اندازه قابلیت‌هایش تناسب دهد. او نگرش «خارِیشت‌وار» داشت و از دیدن و تحلیل جهان پیچیده بی‌رمون خود و انواع و اقسام عدم قطعیت‌های فراوی خود ناتوان بود، در حالی که آرتابانوس بارها تذکرات لازم را به شاه برای توجه به محدودیت‌ها داد، ولی وی التفاتتی نکرد. این شاید مهم‌ترین درسی باشد که می‌توان از کتاب جذاب گدیس برای مدیریت توسعه در ایران امروز فراگرفت: مدیریت توسعه هر چند با آرمان‌های بزرگ آغاز می‌شود، اما الزاما با تحقق آرمان‌های بزرگ به پایان نمی‌رسد. «آرمان» باید به تعدادی «انتخاب» ممکن تبدیل شود، انتخاب‌ها نیز به «اولویت» مقدور محدود شوند. اولویت‌ها به «بسج و تمرکز منابع» و بسج منابع به «اجرا» معطوف شود. کشوری که بخواهد همه‌چیز را هم‌زمان و با اهمیت یکسان دنبال کند و صدها اولویت داشته باشد، در عمل هیچ اولویتی ندارد. استراتژی دقیقاً از جایی آغاز می‌شود که یک کشور تصمیم می‌گیرد چه چیزهایی را پیش‌مهم‌تر است و چه چیزهایی، دست‌کم در یک مقطع زمانی، باید کنار گذاشته شود. اولی هوشمندی و ذکاوت و دومی جسارت و کفایت طلب می‌کند. اینجاست که مسئله «استراتژی بزرگ توسعه ملی» رای ایران اهمیت پیدا می‌کند. «برنامه» توسعه با «استراتژی» توسعه یکی نیست. «برنامه توسعه» معمولاً دربرگیرنده مجموعه‌ای از اهداف، احکام، پروژه‌ها و منابع مورد نیاز است و خود را باید ذیل استراتژی تنظیم کند. اما «استراتژی توسعه» باید نسبت میان آرمان، هدف، قدرت، زمان، جغرافیا، منابع و محدودیت‌ها را به درستی درک و صورت‌بندی کند و مسیر برنامه را روشن سازد. برنامه توسعه می‌گوید چه باید کرد، ولی استراتژی توسعه ابتدا می‌پرسد چرا باید آن کار را انجام داد، چه چیزی را نباید انجام داد و اگر واقعیت برخلاف پیش‌بینی ما حرکت کرد، چگونه باید مسیر را اصلاح کرد. به همین دلیل است که نمی‌توان استراتژی توسعه را در قالب یک سند بالادستی مکتوب و مضبوط فروگاست؛ استراتژی توسعه چارچوبی عقلانی و تحلیلی برای به دست دادن «منطق مشترک» تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری توسعه در کشورهاست.

برگ سبز وانت آریسان سفید روغنی مدل ۱۳۹۴
به شماره پلاک ۴۳ایران ۳۲۹ی ۴۷
شماره شاسی NAAB۶۶PEV۷۵۱۲۴۳۵
و شماره موتور ۳۷۴۵۰۰۱۱۸J
به نام شرکت صدرا تجهیز مهرگان با شناسه ملی ۱۴۰۰۸۵۳۳۹۵۳
در ۱۴۰۴/۰۵/۲۰ مفقود شده و فاقد اعتبار است.

❌ قبل‌مردم یک یا دو ماه قبل از سفر بلیط می‌خریدند، اما اکنون هم به‌خاطر شرایط و هم قیمت‌ها، افراد ترجیح می‌دهند که فقط ۱۲ یا ۲۴ ساعت قبل از سفر برای خرید بلیط تصمیم بگیرند.
آیا به نظر شما پنجره خرید (Booking Window) کوتاه‌شده است؟
با توجه به داده‌هایی که در اختیار دارید امروز مردم چند روز قبل از سفر بلیط می‌خرند و این عدد نسبت به قبل چقدر تغییر کرده؟
فضای نااطمینانی ناشی از جنگ و اختلال اینترنت باعث شده پنجره خرید بلیط کوتاه‌تر شود؛ به‌طوری‌که امروز کاربران به‌طور متوسط پنج روز پیش از سفر جست‌وجو را آغاز و حدود دو روز مانده به سفر خرید خود را نهایی می‌کنند. درحالی‌که این اعداد پیش از جنگ هفت و پنج روز بود. تجربه ما نشان می‌دهد تقاضای سفر کاهش یافته ولی از بین نرفته، بلکه به تعویق افتاده و کاربران تصمیم خرید را به زمان نزدیک‌تری نسبت به سفر موکول کردند.

❌ به صورت کلی در روزهای بحران، نسبت درخواست استرداد به فروش عادی چند برابر شد؟ این فقط کاهش درآمد بود یا هزینه عملیاتی شرکت را هم منفرجه کرد؟
ما در دوران جنگ بیش از ۲۰۰ میلیارد تومان استرداد بلیط داشتیم. میزان شرایطی بود که به دلیل جنگ تیم ما تحت تأثیر بود و ما با شرایط سخت‌تر با کار عملیاتی بسیار بیشتر مواجه بودیم. تلاش ما این بود که استردادها در لحظه برای کاربر انجام شود و می‌توانم بگویم در قطار و اتوبوس تقریباً اکثریت با فاصله کوتاهی انجام شد (مگر وجود اختلال بانکی یا شبکه اینترنت) و برای هواپیمای نیز پیگیری هر روزه برای استرداد از طریق اتلاین انجام گرفت. تبعات این موضوع برای ما علاوه بر کاهش جدی درآمد، افزایش چشم‌گیر هزینه‌ها و بار عملیاتی و انسانی بود و تنها با کمک تیمی همراه توانستیم شرایط را پشت سر بگذاریم و مشکل بیش از صد هزار کاربر را برای استرداد حل کنیم.

❌ ترکیب سفرها در ایسن دوران چگونه تغییر کرد؟ سهم سفرهای تفریحی چقدر افت کرد و سفرهای اضطراری چه سهمی پیدا کردند؟

در دوره جنگ، الگوی سفر به‌طور محسوسی تغییر کرد و تقاضا از سفرهای تفریحی یا مأموریت کاری به سمت سفرهای ضروری، مانند درمانی و کاری اجتناب‌ناپذیر-که امکان لغو یا به تعویق انداختن آنها وجود نداشت، حرکت کرد. با بسته‌شدن مرز هوایی، سفرهای هوایی متوقف شد و تقاضای قطار و اتوبوس نیز پس از یک افزایش مقطعی در روزهای ابتدایی، کاهش یافت. درمجموع، آنچه رخ داد کاهش کلی تقاضای سفر بود، نه صرفاً تغییر وسیله جابه‌جایی.

❌ صنعت گردشگری به اینترنت وابسته‌تر از چیزی است که تصور می‌شود.
به دلیل ارتباط با اپل‌این‌های خارجی، رزرو هتل‌های خارجی API‌های بین‌المللی، سیستم‌های پرداخت سرویس‌های ابری، نقشه‌ها و موقعیت‌یابی با این وضعیت، اگر اینترنت ملی دوباره برقرار باشد اما اینترنت جهانی قطع شود، دقیقاً کدام بخش زنجیره فروش بلیط و سفر از کار می‌افتد؟

آثار محدودیت اینترنت جهانی فقط یک مسئله فنی برای بلتفرم‌های آنلاین نیست، بلکه کل زنجیره تجربه سفر را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ از دسترسی کاربران به خدمات گرفته تا تأمین‌کنندگان حمل‌ونقل و اقامت که در تعریف سرویس‌ها، مدیریت ظرفیت و ارائه خدمات روزانه خود نیز دچار مشکل می‌شوند. برای ما به‌عنوان یک بلتفرم آنلاین نیز این محدودیت به کاهش ورودی کاربران و فروش، اختلال در زیرساخت‌ها و سرویس‌های بین‌المللی، اختلال در کانال‌های ارتباطی با

روایت مدیر ارشد اجرایی مستربلیط از گردشگری در روزهای جنگ و قطع اینترنت

جنگ، تقویم سفر ایرانی‌ها را به هم زد



شرق: جنگ برای صنعت گردشگری فقط به معنای لغو پروازها، قطارها و خالی شدن هتل‌ها نبود؛ جنگ و قطعی اینترنت تقویم سفر بسیاری از ایرانیان را به هم زد. در روزهای نخست، وقتی اضطراب جنگ مردم را به جاده‌ها برای رساندن کنار خانواده‌هایشان کشاند، به گفته پیمان کاظمی، مدیر ارشد اجرایی مستربلیط، فروش بلیط اتوبوس در این بلتفرم سه برابر شد اما این موج کوتاه بود و خیلی زود جای خود را به سقوط تقاضا داد. حالا داده‌های این بلتفرم نشان می‌دهد مسافری که پیش از جنگ به‌طور متوسط پنج روز مانده به حرکت بلیط می‌خرد، اکنون خرید را به دو روز مانده به سفر موکول می‌کند؛ گویی نااطمینانی، سفر را از یک تصمیم از پیش برنامه‌ریزی‌شده به تصمیمی لحظه‌ای تبدیل کرده است. آن‌طور که مدیر ارشد اجرایی مستربلیط می‌گوید در دوران جنگ ۴۰ روزه بیش از ۲۰۰ میلیارد تومان بلیط مسترد شده، بیش از صد هزار کاربر درخواست بازگشت وجه داشتند و تماس‌های پشتیبانی تا سه برابر افزایش یافته بود. اما شاید مهم‌تر از همه، اتفاقی باشد که بعد از پایان جنگ روی داده: سفرها به نقطه قبل از بحران برگشته‌اند. سفرهای کاری، تفریحی و زیارتی همچنان پایین‌تر از گذشته‌اند و این یعنی جنگ و قطعی اینترنت، فقط بخشی از بازار گردشگری را برای چند هفته متوقف نکرده است؛ آنها بخشی از اطمینان مسافر به «امکان سفر» را هم از بین برده‌اند.

کاربران و افزایش جدی اقدامات عملیاتی مورد نیاز منجر شد. در چنین شرایطی، بخش قابل‌توجهی از ظرفیت تیم‌ها به جای توسعه محصول و بهبود تجربه سفر، صرف حفظ پایداری خدمات و مدیریت چالش‌های عملیاتی می‌شود؛ موضوعی که در بلندمدت می‌تواند بر سرعت رشد و نوآوری در صنعت گردشگری دیجیتال اثر بگذارد.

❌ بعد از بحران مردم دیگر مطمئن نیستند پرواز انجام می‌شود، قطار حرکت می‌کند، پول سفر کنسل‌شده‌شان برمی‌گردد؟ در این شرایط چقدر از انرژی شرکت صرف «اعتمادسازی» می‌شود نه فروش؟
می‌توانم بگویم بخش قابل‌توجهی از تماس‌های کاربران در آن دوران برای اطمینان از برقراری سفر، دریافت اطلاعات و پیگیری وضعیت استردادها بود و تماس‌های پشتیبانی نیز تا سه برابر افزایش یافت. ما براساس اصل پاسخ‌گوییودن ۲۴ساعته در هر شرایطی، تلاش کردیم حتی یک ساعت هم پشتیبانی را تعطیل نکنیم و کارشناسان ما، با وجود نگرانی‌های شخصی و خانوادگی، در این روزها با ساعات کاری بسیار بیشتر به پاسخ‌گویی ادامه دادند. درواقع، مهم‌ترین تجربه این دوره برای ما حفظ دسترسی پایدار به خدمات آنلاین بود؛ به‌رغم جنگ، قطعی اینترنت و افزایش قابل‌توجه هزینه‌های عملیاتی، ارائه خدمات متوقف نشد و کاربران اطمینان پیدا کردند که حتی در شرایط بحرانی و در صورت نیاز به سفر اضطراری، امکان خرید و دریافت خدمات سفر از طریق ما وجود دارد. این تجربه نه‌تنها به کاهش اعتماد کاربران منجر نشد، بلکه عملکرد پایدار ما در این دوره، اعتماد آنها به خدمات بلتفرم آنلاین را نیز افزایش داد.

❌ شما روزانه میلیون‌ها جست‌جوی سفر را می‌بینید. این داده‌ها درباره رفتار مردم ایران در زمان جنگ چه چیزی را نشان می‌دهد که هیچ نهاد دیگری نمی‌تواند ببیند؟

داده‌های جست‌وجو و خرید بلیط در دوره‌های جنگ نشان می‌دهد رفتار سفر کاربران در چند مرحله تغییر می‌کند. در دو روز نخست جنگ، شوک اولیه باعث افت شدید تقاضای سفر می‌شود، اما از روز سوم، الگوی تقاضا تغییر می‌کند و سفرهای زمینی به‌طور چشمگیری افزایش می‌یابد؛ موضوعی که نشان می‌دهد بسیاری از افراد در تلاش‌اند خود را به محل زندگی یا کنار خانواده برسانند. برای نمونه، در جنگ ۱۲ روزه، فروش بلیط اتوبوس در روز سوم جنگ یعنی ۲۵ خردادماه به دو برابر میانگین روزهای پیش از آغاز جنگ رسید. پس از عبور از این موج اولیه، حجم کلی سفر به‌شدت کاهش پیدا می‌کند. یکی دیگر از نشانه‌های مهم، افت جدی سفرهای کاری حتی پس از پایان جنگ است؛ سفرهایی که با هدف فعالیت اقتصادی انجام می‌شوند و کاهش آنها می‌تواند نشانه کاهش تحرک اقتصادی در این دوره باشد. ما در ۱۴۰۴ سه بحران جنگ و قطعی اینترنت سراسری را تجربه کردیم و داده‌های ما نشان می‌دهد اثر بحران‌ها کوتاه‌مدت نیست و حتی پس از پایان جنگ یا وصل اینترنت، تقاضای سفر کاری، تفریحی و زیارتی برای مدتی افت پیدا می‌کند.

❌ در جنگ ۴۰ روزه همه درباره تهران حرف زده‌اند. اما در این بین مقصد به کدام شهرها بیشترین رشد را داشت؟ کدام شهرها سقوط کردند؟

داده‌های مستربلیط نشان می‌دهد در جنگ تحمیلی رمضان، بیشترین سفرها به‌جز تهران، به مقصد مشهد، اهواز، اصفهان و قم انجام شده که بیانگر تمرکز جابه‌جایی‌ها به سمت شهرهای اصلی کشور در روزهای بحران است. در مقابل، برخی مقاصد با افت قابل‌توجه تقاضا مواجه شدند؛ به‌طوری‌که سفر به قم نسبت به قبل ۵۱ درصد، شیراز و یزد

۴۷ درصد و کرمان ۴۴ درصد کاهش یافت. همچنین در این دوره، تقاضا برای سفرهای زمینی به سمت مرزها و مقاصد خارج از کشور نیز افزایش چشمگیری داشت. این الگو نشان می‌دهد در شرایط بحرانی، کاربران مقاصد سفر خود را بر اساس ضرورت، دسترسی و شرایط روز تغییر می‌دهند و سفرهای غیرضروری بیش از سایر انواع سفر تحت تأثیر قرار می‌گیرند.

❌ بعد از این تجربه، اگر فرد دوباره جنگ یا قطع اینترنت تکرار شود، تغییراتی که همین امروز در زیرساخت مستربلیط ایجاد کرده‌اید، چیست؟
از یک سال گذشته روی افزایش تاب‌آوری زیرساخت سرمایه‌گذاری کرده‌ایم تا در شرایط اختلال ارتباطات، کیفیت سرویس برای کاربران حفظ شود. بخشی از این اقدامات مربوط به بهبود زیرساخت‌های پشتیبان و طراحی معماری مقاوم‌تر در برابر اختلالات ارتباطی بوده است. در کنار آن، زیرساخت‌های پشتیبانی را ارتقا دادیم و با استفاده از ابزارهای جدید مانند پشتیبانی آنلاین تلاش کردیم وابستگی پاسخ‌گویی به تلفن و اتصال اینترنت را کاهش دهیم. همچنین هر بخشی از زیرساخت‌ها که امکان جایگزینی داخلی داشت، حتی با وجود هزینه بالاتر، به سمت این راهکارها حرکت کردیم. هدف ما این است که در صورت تکرار شرایط بحرانی، پایداری بالای خدمات حفظ شود و کاربران دغدغه‌ای بابت سفر خود و تهیه بلیط نداشته باشند.

❌ در روزهای جنگ، عجیب‌ترین الگوی سفری که در داده‌های مستربلیط دیدید چه بود؟

یکی از الگوهای قابل توجه در داده‌های مستربلیط، افزایش ناگهانی تمایل کاربران به سفرهای زمینی در روزهای ابتدایی جنگ بود. طوری که تقاضا برای سفر با اتوبوس در روزهای اول جنگ سه برابر شد و قطار نیز با افزایش هفت درصدی نسبت به شرایط عادی همراه شد. کاربران در روزهای نخست بحران بیشتر به دنبال خروج سریع و رسیدن به مقصد مورد نظر خود برای حفظ امنیت یا در کنار خانواده بودند و به‌دلیل نبود سفر هوایی، حمل‌ونقل زمینی به تنها گزینه آنها تبدیل شد. این موج اولیه سفر نیز کوتاه‌مدت بود و پس از عبور از روزهای ابتدایی، تقاضا کاهش پیدا کرد و الگوی خروج گسترده از شهرها ادامه‌دار نشد.

❌ اگر فقط یک نمودار از رفتار مسافران ایران در آن ۴۰ روز را منتشر کنید، کدام نمودار بیش از همه واقعیت اقتصاد گردشگری را نشان می‌دهد؟

بدون تردید نمودار تعداد سفرها خواهد بود. این نمودار به‌خوبی نشان می‌دهد که با آغاز جنگ، پس از یک نوسان کوتاه‌مدت، تعداد سفرها با افت شدیدی مواجه شد و نکته مهم‌تر اینکه حتی پس از پایان جنگ و بازگشت نسبی شرایط، تقاضای سفر هرگز به سطح پیش از بحران بازنگشت. تجربه سه تنش اخیر نیز همین الگو را تأیید می‌کند؛ هر بحران، یک پله از تقاضای سفر و در نتیجه از ظرفیت صنعت گردشگری را کاهش داده و آثار آن برای مدت‌ها پس از پایان بحران باقی مانده است.

سند برگ سبز خودروسواری وپلاک جلووعبق سواری پرایدمدل ۱۳۷۹ به رنگ سفیدبه شماره شاسی ۰۰۱۴۳۸۵۶۱۲۷۹۶۲۱۹۰ و شماره موتور ۵۱۴۳۱۰۲۹ ص ۷۶ به نام مهری افخمی ماسوله مفقود گردیده و فاقد اعتبار میباشد.
دانشنامه فارغ التحصیلی اینجناب اکرم صفری قرجه قیائی فرزند علی اصغر به شماره شناسنامه ۲۴۴۵۷، صادره از تهران درمقطع کارشناسی رشته علوم اجتماعی تعاون ورفاه اجتماعی صادره ازواحد دانشگاهی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی مورخ سال۱۳۸۸ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابینده خواهشمند است دانشنامه را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی به آدرس: تهران، سوهانک، بلوار ارتش، میدان قائم، خیابان خندان، خیابان سلماس دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی ارسال نماید.

جعبه ابزار

چطور برنامه‌نویسی را به‌بازی کودکان تبدیل کنیم؟

شرق: کدنویسی برای بسیاری از بزرگسالان هنوز با تصویر صفحه‌ای پر از خط‌های پیچیده‌کد و دستورهای نامفهوم گره خورده است، اما برای کودکان می‌تواند از جایی بسیار ساده‌تر شروع شود؛ یک شخصیت کارتونی که حرکت می‌کند، می‌پرد، می‌قصد یا حرف می‌زند. Scratch یکی از ابزارهایی است که تلاش کرده مفاهیم اولیه برنامه‌نویسی را از همین مسیر به کودکان آموزش دهد؛ بدون اینکه آنها در نخستین قدم مجبور باشند با زبان‌های برنامه‌نویسی متنی مواجه شوند. ScratchJr یک زبان برنامه‌نویسی مقدماتی و محیط ساخت پروژه برای کودکان خردسال است که عمدتاً برای گروه سنی پنج تا هفت سال طراحی شده است. این ابزار در سال ۲۰۱۴ و در همکاری میان گروه DevTech دانشگاه تافتس، گروه Lifelong Kindergarten در آزمایشگاه رسانه‌ای MIT و شرکت Playful Invention Company عرضه شد و اکنون پشتیبانی و توسعه آن با همکاری DevTech در کالج بوستون و Scratch Foundation ادامه دارد.

ایده اصلی ScratchJr از Scratch گرفته شده است؛ همان محیط برنامه‌نویسی شناخته‌شده‌ای که در MIT برای کودکان و نوجوانان توسعه پیدا کرد و عمدتاً برای سنین هشت تا ۱۶ سال طراحی شده است. اما سازندگان ScratchJr در طراحی نسخه مخصوص کودکان کوچک‌تر، رابط کاربری با شیوه برنامه‌نویسی را متناسب با توانایی‌های شناختی، شخصی، اجتماعی و عاطفی این گروه سنی بازطراحی کردند. به همین دلیل، کودک برای شروع کار الزاماً به مهارت خواندن پیشرفته نیاز ندارد و بسیاری از دستورها به شکل بلوک‌های تصویری ارائه می‌شوند. نحوه کار نسبتاً ساده است. کودک می‌تواند یک شخصیت بلوک یک دستور مشخص را اجرا می‌کند؛ برای مثال حرکت‌دادن شخصیت، پریدن، تغییر ظاهر، بخش صدا یا شروع یک اتفاق. کار هم قرارگرفتن این دستورها در نهایت باعث می‌شود شخصیت‌ها در یک داستان با بازی ساده رفتار مشخصی داشته باشند. کودک در واقع به جای نوشتن دستوره‌ای متنی، منطق برنامه را با چندین قطعات تصویری می‌سازد.

اما ScratchJr صرفاً قرار نیست یک «کلاس برنامه‌نویسی» روی تبلت باشد. ساختار آن بر این ایده بنا شده که کودک هنگام ساختن یک پروژه، هم‌زمان با مفاهیمی مانند توالی، حل مسئله، طراحی و بیان خلاقانه آشنا شود. برای نمونه، اگر شخصیت قرار است ابتدا حرکت کرده و بعد صحبت کند، کودک باید ترتیب درست دستورها را مشخص کند. اگر اتفاقی مطابق

انتظار او رخ ندهد، باید دستورها را بررسی و اصلاح کرد. همین فرایند ساده، کودک را با نوعی از تفکر مرحله‌به‌مرحله آشنا می‌کند. MIT و تیم توسعه ScratchJr نیز بر ارتباط این فرایند با مهارت‌های حل مسئله، طراحی پروژه و رشد سواد و مهارت‌های اولیه ریاضی و زبانی تأکید کرده‌اند.

یکی دیگر از ویژگی‌های ScratchJr امکان شخصی‌سازی پروژه‌هاست. کودک می‌تواند شخصیت‌ها را در ویرایشگر نقاشی تغییر دهد، صدای خود را به پروژه اضافه کند و حتی از تصویر خود در داستان استفاده کند. بنابراین خروجی کار صرفاً یک تمرین از پیش تعیین‌شده نیست؛ کودک می‌تواند ایده خودش را به یک داستان، انیمیشن یا بازی تعاملی تبدیل کند. در همین مسیر، برنامه‌نویسی از یک فعالیت صرفاً فنی به ابزاری برای ساختن و بیان ایده تبدیل می‌شود.

قوه قضائیه
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره آرا صادره از هیات قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در ثبت شرق اصفهان
در اجرای ماده یک قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و بر حسب ماده قانون مذکور آرا ذیل که از طرف این هیات مبنی بر تأیید انتقال عادی و با سهم مفروضی متقاضی صادر گردیدند در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود تا شخصی یا اشخاصی که به آرا مذکور اعتراض دارند از تاریخ اولین انتشار طرف مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم نموده و در مهلت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض فرصت دارند نسبت به تقدیم دادخواست به دادگاه صالحه و ارائه گواهی مبنی بر طرح دعوی اقدام نمایند و اقدامات ثبت موکل به آرایه حکم قطعی دادگاه خواهد بود و در صورت انقضای مهلت و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد و صدور سند مالکیت مابع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.
۱- رأی شماره ۱۰۷۸۴-۲۰۲۷-۱۴۰۵۶-۳۰ مورخ ۱۴۰۵/۵/۱۰ حسین محمدی فرزند علی بشماره شناسنامه ۲۲۲ صادره از اصفهان بشماره ملی ۰۲۴۵۴-۱۲۸۴۰۰ درشماره یکباب ساختمان احداثی بر روی قسمتی از قطعه زمین پلاک ۱۱۵۴۸ اصلی واقع در پخشی ۵ ثبت اصفهان به مساحت ۱۲۶/۵۲ متر مربع خریداری طی سند رسمی.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۶/۲۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۷/۰۴
شماره آگهی: ۲۲۲۳۳۳۱
حمیدرضا خسروی
رئیس منطقه ثبت اسناد و املاک شرق اصفهان ۴۲۲۲